

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

۲۹ اپریل ۲۰۱۷

تفسیر احمد- ۳۵

ترجمه و تفسیر سورة اللهب - ۲

آیا واقعاً دست های ابو لهب بریده شد:

در آیت اول این سوره آمده است: « تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ » « شکسته باد دو دستان ابولهب و (ابولهب) و مرگ بر او ». منظور آیت متبرکه چیست آیا دستانش واقعاً بریده است و یا خیر ؟
امام بخاری با عده ای از محدثین از ابن حضرت عباس رضی الله عنه روایت کرده اند که گفت: « لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: « وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ » وَرَهْطَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ، خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى صَعِدَ الصَّفَا، فَهَتَفَ: « يَا صَبَاحَاهُ » ، فَقَالُوا: مَنْ هَذَا الَّذِي يَهْتَفُ؟ قَالُوا: مُحَمَّدٌ، فَاجْتَمَعُوا إِلَيْهِ، فَقَالَ: « يَا بَنِي فُلَانٍ، يَا بَنِي فُلَانٍ، يَا بَنِي عَبْدِ مَنَافٍ، يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ » ، فَاجْتَمَعُوا إِلَيْهِ، فَقَالَ: « أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَخْبَرْتُكُمْ أَنَّ خَيْلًا تَخْرُجُ بِسَفْحِ هَذَا الْجَبَلِ، أَكُنْتُمْ مُصَدِّقِي؟ » قَالُوا: مَا جَرَّبْنَا عَلَيْكَ كَذِبًا، قَالَ: « فَإِنِّي نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيِ عَذَابٍ شَدِيدٍ » ، قَالَ: فَقَالَ أَبُو لَهَبٍ: تَبًّا لَكَ أَمَا جَمَعْتَنَا إِلَّا لِهَذَا، ثُمَّ قَامَ فَنَزَلَتْ هَذِهِ السُّورَةُ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَقَدْ تَبَّ. (بخاری ۴۹۷۱، مسلم ۲۰۸، بیهقی در «دلائل» ۲ / ۱۸۱ و ۱۸۲ و بغوی در «تفسیر» ۳ / ۴۰۰ و ۴۰۱).

یعنی: زمانی که این آیت مبارکه (۲۱۴ سوره شعراء) « وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ » (ای پیامبر! بستگان نزدیک را هشدار ده) ، نازل شد؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم از خانه خود بیرون رفت و به کوه صفا بالا رفتند سپس به فریاد بلند چنین ندا در دادند:

یا صباحاه! (عرب زمانی این جمله را می گفت که دشمن به شکل غافلگیرانه بر او تهاجم می کرد، تا این که همه باخبر شوند و دست به مقابله بزنند) چون قریش این ندا را شنیدند، از یکدیگر پرسیدند که این صدا و فریادگر کیست؟ پاسخ داده شد که: محمد است. پس ندا را اجابت گفتند و پیرامون ایشان گرد آمدند. آن گاه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم خطاب به آنان فرمودند: هان ای بنی فلان! هان ای بنی فلان! هان ای بنی عبد مناف! هان ای بنی عبدالمطلب! (و به این ترتیب، اقوام مختلفی از قبیلہ قریش را یکی یکی نام بردند) پس همه آنان سراپا گوش گردیدند تا بشنوند که محمد صلی الله علیه وسلم چه سخنی به این پایه از اهمیت دارد که فریادکنان همه را برای آن فراخوانده است.

سپس خطاب به آنان فرمودند: آیا اگر به شما خبر بدهم که سپاهی از سواران از کناره این کوه بیرون می‌آیند و بر شما می‌تازند، آیا مرا تصدیق خواهید کرد؟ همه یکصدا گفتند: ما تاکنون از تو دروغی را تجربه نکرده‌ایم (بلکه تو را به راستگویی می‌شناسیم).

فرمودند: پس اینک من پیش از پیش از عذاب سختی که شما در آن می‌افتید آگاه و هشدار می‌دهم. در این اثنا ابولهب گفت: هلاکت باد بر تو! آیا برای این کار ما را گردآورده‌ای؟! به گفتن همین کلام محل را ترک کرد و رفت. همان بود که: پروردگار با عظمت سوره مسد را نازل فرمود: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ * مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ...».

ابو لهب جهنمی است :

در این شک وجود ندارد که کفار و مشرکین وارد دوزخ می‌شوند، اینک قرآن کریم و رسول الله صلی الله علیه وسلم راجع به دوزخی بودن بعضی افراد مشخص به ما خبر داده‌اند که از جمله آنها فرعون زمان حضرت موسی علیه السلام است:

پروردگار با عظمت در (سوره هود آیت: ۹۸) می‌فرماید: «يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمُؤْرَدُ» (فرعون در روز قیامت در پیشاپیش قوم خود بوده (و ایشان را به سوی آتش دوزخ رهبری خواهد کرد، همان گونه که در دنیا آنان را به سوی کفر و گمراهی رهبری می‌کرد) و ایشان را به آتش دوزخ می‌اندازد. چه بد جایگاهی که بدان وارد می‌شوند!).

و از جمله آنان همسر نوح و همسر لوط هستند. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَامْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَمَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (سوره التحريم: ۱۰) (خداوند از میان کافران، زن نوح و زن لوط را مثل زده است. آنان در حباله نکاح دو تن از بندگان خوب ما بودند و (با ساخت و پاخت با قوم خود و گزارش اسرار و اخبار بدیشان) به آن دو خیانت کردند و آن دو نتوانستند در پیشگاه الهی کمترین کاری برای ایشان بکنند و (آنان را از عذاب خانمانسوز دنیوی و سخت کمرشکن اخروی نجات دهند. به هنگام مرگ توسط فرشتگان بدیشان) گفته شد: به دوزخ درآئید همراه با همه کسانی که بدان در می‌آیند). و یکی دیگر از جمله کسانی که اهل دوزخ هستند، ابو لهب و همسرش می‌باشند. طوری که تفصیل آن در سوره (المسد ۵-۱) آمده است.

همچنان یکی دیگر از جمله این افراد عمرو بن عامر خزاعی است. رسول الله صلی الله علیه وسلم او را در حالتی دید که روده‌هایش را در دوزخ می‌کشد. (روایت این حدیث صحیح است. و بخاری و مسلم آن را تخریج کرده اند). از جمله این افراد قاتل عمار بن یاسر است. در معجم طبرانی با سند صحیح از عمرو بن عاص و از فرزندش روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «قاتل عمار و سالبه فی النار» (صحیح الجامع (۴/۱۱۰) شماره ۴۱۷۰).

قیامت و موضوع سؤال و جواب از آنها :

در مورد این که آیا در روز قیامت از کفار هم سؤال و جواب به عمل می‌آید و یا خیر، علماء نظریات مختلفی و متفاوتی دارند :

شیخ الاسلام ابن تمیه رحمه الله می‌فرماید: متأخرین از پیروان امام احمد رحمه الله و... در این مسأله اختلاف نظر دارند، آنهایی که معتقد به محاسبه کفار نیستند عبارتند از: ابوبکر عبدالعزیز، ابوالحسن تمیمی، قاضی ابویعلی و غیره و

گروه دوم که معتقد به محاسبه کفار هستند عبارتند از: ابو حفص برمکی، ابوسلیمان دمشقی و ابوطالب. مجموع فتاوی شیخ الاسلام (۳۰۵/۴).

اما حرف حق همین است که کفار مورد محاسبه قرار خواهند گرفت و اعمال آنها وزن خواهد شد، آیات ذیل شاهد و گواه صحت این مدعا می باشد.

پروردگار با عظمت در: «(سوره القصص: ۶۲) می فرماید: «وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ». (روزی (را خاطر نشان ساز که) خدا ایشان را فریاد می دارد و می گوید: شریکی که برای من گمان می بردید کجایند؟! (ای مشرکان! حالا که حجابها و پرده ها کنار رفته اند و هنگامه حساب و کتاب و گرفتاری و درماندگی است، بگوئید بتهای و خداگونه های انس و جنی که می پنداشتید و می پرستیدید بیایند و شما را از عقاب و عذاب آفریدگار برهاند).

«وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ». (سوره القصص: ۶۵) (خاطر نشان ساز) روزی را که خداوند مشرکان را فریاد می دارد و می گوید: به پیغمبران چه پاسخی دادید؟).

«فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ * فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ * وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ * فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ * نَارُ حَامِيَةٍ» (سوره القارعه: ۶ - ۱۱) (کسی که ترازوی (حسنات و نیکیهای) او سنگین باشد. او در زندگی رضایت بخشی به سر می برد. و اما کسی که ترازوی (حسنات و نیکیهای) او سبک شود. مادر (مهربان) او، پرتگاه (ژرف دوزخ) است (و برای در آغوش کشیدن او، دهان خود را به سوی باز کرده است). تو چه می دانی، پرتگاه دوزخ چیست و چگونه است؟! آتش بزرگ بسیار گرم و سوزانی است).

«وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ * تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ * أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُنَلِّى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ» (سوره المؤمنون: ۱۰۳ - ۱۰۵) (و کسانی که سنجیده های (اعمال و اقوال دنیوی) ایشان، سبک و بی ارزش باشد، اینان (عمر خود را باخته و) خویش را زیانمند نموده اند و در دوزخ جاودانه خواهند ماند. شعله های آتش دوزخ صورتهای ایشان را فرا می گیرد، و آنان در میان آن، چهره در هم کشیده (و پریشان و نالان) به سر می برند. (خداوند خطاب بدیشان می گوید): مگر آیات من بر شما خوانده نمی شد و شما آنها را دروغ می نامیدید؟!).

اما در مورد این که چرا کفار مورد محاسبه و سؤال قرار می گیرند حال آن که اعمال آنها به هدر رفته و باطلند؟ در پاسخ به این سؤال جوابهای متعددی به شرح زیر داده شده است:

۱- اقامه حجت بر آنها و اظهار عدل الهی در خصوص آنان، خداوند بیش از هرکسی عذر را می پذیرد. او عادل مطلق است، روی این حساب کفار را مورد سؤال و محاسبه قرار خواهد داد و آنان را نسبت به اسناد و مدارکی که حاوی اعمال آنها هستند، آگاه می سازد و میزان را مطابق با بزرگی گناهان و بدی اعمال آنها ظاهر می سازد. «وَنُضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالُ حَبَةٍ مِنْ خَيْرٍ لَوْ أَنَّنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ». (سوره الانبیاء: ۴۷) (و ما ترازوی عدل و داد را در روز قیامت خواهیم نهاد، و اصلاً به هیچ کسی کمترین ستمی نمی شود، و اگر به اندازه دانه خردلی (کار نیک یا بدی انجام گرفته) باشد، آن را حاضر و آماده می سازیم (و سزا و جزای آن را می دهیم) و بسنده خواهد بود که ما حسابرس و حسابگر (اعمال و اقوال شما انسانها) باشیم).

«وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا».

(سوره الکهف: ۴۹) (و کتاب (اعمال هر کسی، در دستش) نهاده می شود (و مؤمنان از دیدن آنچه در آن است شادان و خندان می گردند) و گناهکاران (کفر پیشه) را می بینی که از دیدن آنچه در آن است، ترسان و لرزان می شوند و

می‌گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را رها نکرده است و همه را برشمرده است و (به ثبت و ضبط آن مبادرت ورزیده است. و بدین وسیله) آنچه را که کرده‌اند حاضر و آماده می‌بینند. و پروردگار تو به کسی ظلم نمی‌کند. (چرا که پاداش یا کیفر، محصول اعمال خود مردمان است). امام قرطبی می‌گوید: خداوند در دنیا و آخرت مخلوق را به منظور اتمام حجت و اظهار حکمت مورد محاسبه و سؤال قرار می‌دهد. (تذکره: ۲۲۵).

۲- خداوند به منظور توبیخ و تنبیه، آنها را مورد محاسبه قرار می‌دهد. حضرت شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌فرماید: هدف محاسبه نشان دادن اعمال کفار به کفار و تنبیه در برابر آن اعمال است و هدف دیگر موازنه، نیکی در برابر بدی است، اگر منظور خداوند از محاسبه معنای اول باشد، قطعاً آنها در برابر این گونه اعمال محاسبه خواهند شد. و اگر منظور معنای دوم است و مقصد محاسبه این باشد که آیا کفار اعمال نیکی دارند که در برابر آن مستحق بهشت شوند، این یک خطای آشکار است. (مجموعه فتاوی: ۳۰۵/۴).

و این تنبیه و تهدید در نصوص زیادی مطرح شده است: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُفِّقُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبَّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ». (سوره الأنعام: ۳۰) (اگر آنان را ببینی بدان هنگام که در پیشگاه (دادگاه عدل) پروردگارشان نگاه داشته شده‌اند (خواهی دید که چه حال بد و وضع تباهی دارند، و خداوند بدیشان) می‌گوید: آیا این (چیزهایی را که می‌بینید و دامنگیرتان است) حق نیست؟! می‌گویند: آری به پروردگارمان سوگند! (حق است. آن گاه خداوند باز بدیشان) می‌گوید: پس به سبب کفری که می‌ورزیدید عذاب (دوزخ) را بچشید). «يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ». (سوره الأنعام: ۱۳۰) (در آن روز خداوند بدیشان می‌گوید: ای جنیان و ای انسانها! آیا پیغمبرانی از خودتان به سوی شما نیامدند و آیات (کتابهای آسمانی) مرا برایتان بازگو نکردند و شما را از رسیدن بدین روز (و روبه رو شدن در آن با خدا) بیم ندادند؟ (پس چگونه این روز را فراموش کردید و در تکذیب آن کوشیدید؟ در پاسخ) می‌گویند: ما علیه خود گواهی می‌دهیم (و اقرار می‌کنیم که پیغمبران آمدند و آئین خدا را تبلیغ کردند و ما را از قیامت ترساندند، ولی ما ایشان را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند چیزی را از سوی خود نفرستاده است و جز زندگی این جهان، زندگی دیگری وجود ندارد. آری) زندگی جهان، آنان را گول زد و (به خود مشغول داشت و امروز جز اعتراف چاره‌ای ندارند و) علیه خود گواهی می‌دهند (و می‌گویند) که ایشان کافر بوده‌اند (و مستحق عذاب جاویدان و خوفناک یزدانند).

«وَبُرَزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ * وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ». (سوره الشعراء: ۹۱-۹۲) (و دوزخ برای گمراهان آشکار گردانده می‌شود. و بدیشان گفته می‌شود: کجا هستند معبودهایی که پیوسته آنها را عبادت می‌کردید؟) «وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأُوا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ». (سوره القصص: ۶۴) (به پرستش کنندگان گول خورده) گفته می‌شود: انبازهای خود را (که معبودهای دروغینند) به فریاد خوانید (تا شما را یاری کنند). آنان ایشان را به فریاد می‌خوانند، ولی پاسخی بدانان نمی‌دهند. (در این هنگام) عذاب را (با چشم خود) می‌بینند (و آرزو می‌کنند: کاش! هدایت یافته و راهیاب می‌بودند (و امروز گرفتار چنین مجازات شدید نمی‌شدند).

ابن کثیر می‌گوید: هر چند که اعمال نیک کفار به اندازه‌ای نیست که بتوان آن را با کفر شان مقایسه نمود، اما به منظور اظهار شقاوت و رسوائی آنان در انظار عموم، اعمالشان وزن کرده می‌شوند. النهایة، ابن کثیر: (۳۵/۲). ۳- کفار مکلف به فروع شریعتند همانطور که به اصول شریعت نیز مکلف هستند. لذا مورد سؤال قرار می‌گیرند پیرامون کوتاهی‌هایی که در انجام تکلیف از آنان صورت گرفته است، قرطبی می‌گوید: مبنی بر این که کفار مکلف به

فروع شریعت هستند و درباره فروع شریعت مورد سؤال قرار می‌گیرند، و در صورت کوتاهی در فروع مجازات می‌شوند، خداوند می‌فرماید: «وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ». (سوره فصلت: ۶ - ۷) (وای به حال مشرکان! به پاکسازی خود از لوث شرک نمی‌پردازند و به کارهای خیر دست نمی‌یازند)

و خداوند درباره مجرمین، چنین خبر داده است: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ * وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ * وَكُنَّا نُكَذِّبُ بَيُّوتَ الدِّينِ». (سوره المدثر: ۴۲ - ۴۶) (چه چیزهایی شما را به دوزخ کشانده است و بدان انداخته است؟ می‌گویند: (در جهان) از زمره نمازگزاران نبوده‌اید و به مستمند خوراک نمی‌داده‌ایم. و ما پیوسته با باطل گرایان (هم‌نشین و هم‌صدا می‌شده‌ایم و به باطل و یاوه و عیبجویی) فرو می‌رفته‌ایم. و روز سزا و جزای (قیامت) را دروغ می‌دانسته‌ایم).

از آیت‌های مذکور روشن می‌گردد که مشرکان، مخاطب به ایمان، زندگی پس از مرگ، اقامه نماز و ادای زکات هستند. و روز قیامت درباره این امور مورد سؤال قرار خواهند گرفت و در صورت کوتاهی یا ترک آنها مجازات خواهند شد. (تذکره قرطبی: ۳۰۹).

۴- کفار، در کفر، معاصی و گناهان خود با هم تفاوت دارند و هرکس از آنان به میزان گناهان خود به دوزخ می‌رود و آتش دوزخ نیز درجات متفاوتی دارد، همان‌گونه که جنت دارای درجات متفاوت است، اگر کسی شدت کفر و گمراهی‌اش زیاد باشد، عذابش نیز به همان میزان زیاد خواهد بود، حتی بعضی از کفار در پائین‌ترین درجه دوزخ خواهند بود و منافقان از جمله این گروه هستند.

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ». (سوره النساء: ۱۴۵) (بیگمان منافقان در اعماق دوزخ و در پائین‌ترین مکان آن هستند).

شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: عذاب کسانی که بدیهایشان زیادند از عذاب کسانی که دارای بدیهای کمتری می‌باشند، بیشتر است، و هرکدام از کفار که نیکی و حسنات داشته باشد از شدت عذاب آنها کاسته می‌شود، مانند این که عذاب ابوطالب از عذاب ابو لهب کمتر و سبکتر است، بنابر این محاسبه کفار به خاطر بیان مراتب عذاب است نه به خاطر رفتن به بهشت. مجموع فتاوی، شیخ الاسلام (۳۰۵/۴).

امام قرطبی درباره وزن کردن اعمال کفار دو نکته را بیان می‌فرماید:

اول: در یک کفه ترازو کفر و گناهانشان گذاشته می‌شود، و کافر اعمال حسنه‌ای ندارد که در کفه دیگر ترازو گذاشته شوند، از این رو کفه اعمال بد، به دلیل خالی بودن کفه حسنات و نیکی‌ها، می‌چربد.

دوم: اعمال نیکی همچون: صلۀ رحم، صدقه، غمخواری و همدردی با مردم که کافر انجام می‌دهند، در کفه خوبی و نیکی گذاشته می‌شوند، اما کفه بدیها - به دلیل سنگینی کفر و شرک - می‌چربد. (تذکره: ۳۱۲)

نکته اول صحیح است، چون اعمال نیک و معروف کافر به دلیل شرک و کفرش از بین رفته‌اند و هیچ‌گونه ارزشی به آنها داده نخواهد شد، خداوند می‌فرماید: «لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ». (سوره الزمر: ۶۵) (اگر شرک‌ورزی کردارت (باطل و بی‌پاداش می‌گردد و) هیچ و نابود می‌شود).

«وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». (سوره البقرة: ۲۱۷) (کسی که از شما از آئین خود برگردد و در حال کفر بمیرد، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت بر باد می‌رود، و ایشان یاران آتش (دوزخ) می‌باشند و در آن جاویدان می‌مانند). و در حدیث آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا وَابْتِغَى بِهِ وَجْهَهُ» (خداوند هیچ عملی را نمی‌پذیرد،

جز آن را که صرفاً برای خوشنودی خداوند صورت گرفته و از شرک و ریا خالص باشد). نسائی در باب جهاد از ابی امامه...

دوم: از روایات صحیح است که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کافر در دنیا از پاداش اعمال نیک خود بهره می برد و در حالی وارد قیامت می شود که هیچ پاداشی از اعمال نیکش باقی نمانده است. در صحیح مسلم و مسند احمد آمده است که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مُؤْمِنًا حَسَنَةً، يُعْطَى بِهَا فِي الدُّنْيَا (وفی رواية يثاب عليها الرزق في الدنيا) ويجزى بها في الآخرة، وأما الكافر فيطعم بها بحسنات ما عمل بها الله في الدنيا، حتى إذا أفضى إلى الآخرة لم يكن له حسنة يجزى بها». سلسلة الاحاديث الصحيحة (٨٢/١) و شماره آن: ٥٣).

(خداوند بر هیچ مؤمنی درباره اعمال نیک او ستم نمی کند. مؤمن در دنیا و در آخرت پاداش اعمال نیک خود را می بیند. اما کافر تمام پاداش اعمال نیک خود را در دنیا می گیرد و وقتی که به جهان آخرت می رود، هیچ اعمال نیکی برایش باقی نخواهد ماند).

ادامه دارد